

رسول پویان

درد مزمن وطن

خیزک زنان فسانه و انگشتنما شوی
خالی تر از پغانه روی هوا شوی
در عرصه سیاست بین الملل چرا
کم مایه و شتابزده و وارخطا شوی
همسایه بی که هستی ما را کند خراب
با نقشه و دسیسه آن همنوا شوی
دروازه وطن بگشایی به روی جنگ
با طالبان مبلغ صلح و صفا شوی
بار دیگر که سجده کنی پای ابلیس
دور از فرشتگان و جدا از خدا شوی
با قاتلان خلق خدا گر شدی ندیم
بی اعتماد مردم و بی آشنا شوی
از خون پاک مردم اگر بگذری به فن
طبال جنگ و حامی مرگ و عزا شوی
بار دیگر به قلزم خون چاه پر فساد
با ریسمان پوده خود کله پا شوی
کرزی گونه گر بکنی رهبری ملک
لطف عصا نه بلکه سر ازدها شوی
درد وطن مزمن و ناشی بود طبیب
با نسخه گذشته به مردم، دوا شوی؟
عشق وطن نه عرصه بازیگری بود
گربی وفا شوی همه جوروجفا شوی

سلطانی جهان نکند خدمت بشر
آماده شو که یار فقیر و گدا شوی
از ساز عشق و ناله دل بشکند سکوت
گر آشنا به نغمه و موج صدا شوی
بهتر ز خاک کعبه بود خاک میهنم
گر واقعاً ز قید تعصب رها شوی

2014/11/17